

Judicial tenure policy in terms of accountability and oversight in the  
Iranian and American legal systems: Challenges and solutions for  
achieving fair trial

Esmail Salimi Kochi<sup>1</sup>

Received: ۴ April ۲۰۲۳

Mehdi Hoshyar<sup>2</sup>

Reception: ۱ June ۲۰۲۳

Mostafa Forotan<sup>3</sup>

**abstract**

This study examines the relationship between judicial tenure, accountability, supervision, and professional competence of judges in the Iranian and American judicial systems. The main objective is to examine the impact of these variables on the quality of criminal decision-making and the realization of the principle of fair trial. Using a descriptive-analytical method and using library resources and documents from the two legal systems, this study compares accountability mechanisms (disciplinary in Iran versus a combination of elective/disciplinary in the United States) and competency criteria (emphasis on ethical-jurisprudential dimensions in Iran and practical-professional background in the United States). The findings indicate that in Iran, accountability is inherently intra-organizational and structural, accompanied by high job security and over-powerful supervision; this strengthens judicial independence but limits public transparency and direct accountability to society. In contrast, in the United States, accountability is defined through a variety of tenure methods (lifetime appointment at the federal level and elections or meritocracy at the state level), which, while increasing public accountability, carries the risk of political interference and populism in criminal decision-making. In the area of competence, Iran emphasizes “inherent justice and piety” and the United States emphasizes “professional experience and technical expertise.” As a result, neither system is absolutely superior; Iran has succeeded in creating a moral framework and judicial security but faces challenges in transparency and technical efficiency, while the United States is a leader in technical expertise and social accountability but is struggling with a crisis of independence and pressure from public opinion. Keywords: Judicial accountability, fair trial, regulatory oversight, judicial competence, criminal law, Iran and the United States

---

1-Department of Criminal Law and Criminology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran s.salimi.ko@gmail.com

2-Department of Criminal Law and Criminology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran (Corresponding author) Criminallaw93@gmail.com

3-Department of Criminal Law and Criminology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran foruotanmostafa@gmail.com

<http://doi.org/10.30510/pscci.2026.580015.1415>

سیاست گذاری تصدی مقام قضا از حیث مسئولیت پذیری و نظارت در نظام حقوقی

ایران و آمریکا: چالش‌ها و راهکارهایی برای تحقق دادرسی عادلانه

اسماعیل سلیمی کوچی<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۵/۰۱/۱۴۰۲

مهدی هوشیار<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

مصطفی فروتن<sup>۳</sup>

### چکیده:

این پژوهش به بررسی رابطه میان شیوه‌های تصدی مقام قضا، مسئولیت‌پذیری، نظارت و شایستگی حرفه‌ای قضات در نظام‌های قضایی ایران و آمریکا می‌پردازد. هدف اصلی، واکاوی تأثیر این متغیرها بر کیفیت تصمیم‌گیری‌های کیفری و تحقق اصل دادرسی عادلانه است. این مطالعه از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد دو نظام حقوقی، به مقایسه سازوکارهای پاسخگویی (انتظامی در ایران در مقابل ترکیبی انتخابی/انتظامی در آمریکا) و معیارهای شایستگی (تأکید بر ابعاد اخلاقی-فقهی در ایران و سابقه عملی-حرفه‌ای در آمریکا) پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران، مسئولیت‌پذیری ماهیتاً درون‌سازمانی و ساختاری است که با امنیت شغلی بالا و نظارت فراقوه‌ای همراه است؛ این امر استقلال قضایی را تقویت کرده اما شفافیت عمومی و پاسخگویی مستقیم به جامعه را محدود می‌سازد. در مقابل، در آمریکا، مسئولیت‌پذیری از طریق تنوع روش‌های تصدی (انتصاب مادام‌العمر در سطح فدرال و انتخابات یا شایسته‌سالاری در سطح ایالتی) تعریف می‌شود که اگرچه پاسخگویی عمومی را افزایش می‌دهد، اما خطر مداخلات سیاسی و پوپولیسم در تصمیم‌گیری‌های کیفری را به همراه دارد. در حوزه شایستگی، ایران بر «عدالت و تقوای ذاتی» و آمریکا بر «تجربه حرفه‌ای و تخصص فنی» تأکید دارد. در نتیجه هیچ‌یک از دو نظام به صورت مطلق برتر نیستند؛ ایران در ایجاد بستر اخلاقی و امنیت قضایی موفق عمل کرده اما در شفافیت و کارایی فنی با چالش روبروست، در حالی که آمریکا در تخصص فنی و پاسخگویی اجتماعی پیشرو است اما با بحران استقلال و فشار افکار عمومی دست‌وپنچ نرم می‌کند.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت‌پذیری قضات، دادرسی عادلانه، نظارت انتظامی،

شایستگی قضایی، حقوق کیفری، ایران و آمریکا

<sup>۱</sup>گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران s.salimi.ko@gmail.com

<sup>۲</sup>گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) CriminalLaw93@gmail.com

<sup>۳</sup>گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران foruotannmostafa@gmail.com

## مقدمه

تحقق عدالت در نظام‌های حقوقی مدرن، مستلزم وجود نهادی قضایی است که نه تنها از نظر ساختاری مستقل باشد، بلکه از نظر عملکردی نیز پاسخگو و دارای شایستگی لازم برای رسیدگی به پرونده‌های پیچیده کیفری باشد. در این میان، «مسئولیت‌پذیری» و «شایستگی حرفه‌ای» دو رکن بنیادین هستند که کیفیت تصمیمات قضایی را تعیین می‌کنند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه تفاوت در فلسفه‌ی حقوقی و ساختار سیاسی دو نظام ایران و ایالات متحده آمریکا، بر تعریف و اجرای این دو مفهوم تأثیر گذاشته و پیامدهای آن بر دادرسی عادلانه کیفری چه بوده است؟

در جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت‌پذیری قضات عمدتاً در چارچوب فقه امامیه و قوانین داخلی تعریف شده است. بر اساس این دیدگاه، قاضی به عنوان مجری اصلی عدالت، مسئولیت فردی و اخلاقی سنگینی در قبال تصمیمات خود دارد. با این حال، سازوکارهای نظارتی عمدتاً درون‌سازمانی (مانند دادرسی انتظامی قضات) و فراقوه‌ای هستند. اصل ۱۶۴ قانون اساسی با تضمین امنیت شغلی قضات و ممنوعیت عزل آن‌ها جز به جهات قانونی، استقلال آن‌ها را در برابر فشارهای بیرونی حفظ می‌کند، اما انتقادات نشان می‌دهد که این تمرکز قدرت در قوه قضائیه و عدم شفافیت کافی در فرآیندهای انضباطی، می‌تواند پاسخگویی مستقیم قضات در برابر جامعه و اصحاب دعوا را کاهش دهد. همچنین، در حوزه شایستگی، سیستم جذب قضات در ایران بر معیارهای اخلاقی-فقهی (عدالت و تقوا) و آموزش دانشگاهی تأکید دارد که اگرچه سلامت قضایی را تضمین می‌کند، اما ممکن است در مواجهه با پیچیدگی‌های فنی پرونده‌های کیفری و نیاز به تجربه عملی، با چالش مواجه شود.

در سوی دیگر، نظام قضایی ایالات متحده آمریکا با تنوع ساختاری خود، رویکردی متفاوت به مسئولیت‌پذیری دارد. در سطح فدرال، انتصاب مادام‌العمر قضات (ماده ۳ قانون اساسی) حداکثر استقلال را تضمین می‌کند، اما پاسخگویی آن‌ها تنها از طریق فرآیند دشوار استیضاح امکان‌پذیر است که عملاً نادیده گرفته می‌شود. در سطح ایالتی، تصویر پیچیده‌تر است؛ برخی ایالت‌ها از طریق انتخابات تأییدی (مانند میسوری و کلرادو) سعی در ایجاد پاسخگویی عمومی دارند، در حالی که دیگران از مدل‌های شایسته‌سالاری یا انتصاب توسط فرماندار استفاده می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این

تنوع، اگرچه پاسخگویی دموکراتیک را افزایش می‌دهد، اما قضات را تحت فشار افکار عمومی و ملاحظات سیاسی قرار می‌دهد که می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های پوپولیستی و کاهش بی‌طرفی در پرونده‌های حساس کیفری شود. از سوی دیگر، در آمریکا، شایستگی قضات عمدتاً بر اساس سابقه و کالت طولانی‌مدت و ارزیابی‌های حرفه‌ای سنجیده می‌شود که تخصص فنی بالایی را تضمین می‌کند، اما ممکن است تنوع دیدگاه‌ها را کاهش دهد.

بنابراین، شکاف تحلیلی موجود این است که اگرچه هر دو نظام تلاش می‌کنند تعادلی میان «استقلال قضایی» و «پاسخگویی» برقرار کنند، اما مکانیسم‌های آن‌ها کاملاً متضاد است. آیا تمرکز ایران بر استقلال ساختاری و اخلاق فردی، توانایی آن را در ارائه دادرسی عادلانه و کارآمد در پرونده‌های پیچیده محدود کرده است؟ و آیا تمرکز آمریکا بر شفافیت و تجربه حرفه‌ای، با بهای از دست دادن استقلال در برابر فشارهای سیاسی تمام شده است؟ این پژوهش با واکاوی دقیق این ابعاد، به دنبال پاسخ به این سوال است که کدام الگو در ارتقای کیفیت دادرسی کیفری و حفظ حقوق متهم مؤثرتر است و چه راهکارهای تلفیقی می‌تواند نقاط ضعف هر دو نظام را پوشش دهد.

**۲- تصدی مقام قضا از حیث مسئولیت‌پذیری قضات در قبال تصمیمات**  
تصدی مقام قضا در ایران، مسئولیت‌پذیری قضات را در چارچوب تعهد به اصول دادرسی عادلانه قرار می‌دهد، اما تحقق آن مستلزم تخصص و تعهد فردی قاضی است، زیرا مسئولیت اصلی اجرای اصول بر عهده وی نهاده شده است (قرشی‌زاده، جمشیدی و رحمدل، ۱۳۹۸: ۳۰۶). قضات به عنوان مجریان اصلی عدالت، در صورت فقدان دانشور بودن و عدالت‌محوری، نمی‌توانند دادرسی منصفانه را تضمین کنند، که این امر مسئولیت‌پذیری را از سطح ساختاری به فردی سوق داده و بر کیفیت تصمیمات در پرونده‌های کیفری تأثیر مستقیم می‌گذارد (قرشی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۰۷).

مسئولیت‌پذیری قضات در قبال تصمیمات قضایی، یکی از ارکان دادرسی عادلانه است؛ زیرا تضمین می‌کند که قضات در برابر تخلفات یا نقصان عملکرد پاسخگو باشند. در نظام ایران، این مسئولیت از طریق نظارت انتظامی مستمر و تنوع پاسخ‌های انضباطی (از تذکر تا انفصال دائم) تأمین می‌شود و قاضی را ملزم به رعایت سلامت، شایستگی و بی‌طرفی می‌نماید؛ این مکانیسم، با حفظ حریم خصوصی قاضی و یکسان‌سازی آیین رسیدگی به

تخلفات، اعتماد عمومی را تقویت کرده و از سوءاستفاده از قدرت در تصمیمات کیفری جلوگیری می‌کند (طهماسبی، بی تا).

مسئولیت‌پذیری دموکراتیک در شیوه‌های انتخابی برجسته است. در میسوری، انتخابات ابقا (بله/خیر) بدون رقیب مسئولیت‌پذیری ملایمی فراهم می‌کند بدون کمپین‌های پرهزینه. در ویرجینیا، انتخاب مستقیم توسط مجمع عمومی مسئولیت‌پذیری به نمایندگان مردم را ایجاد می‌کند. در فدرال و نیوجرسی، مسئولیت‌پذیری عمدتاً از طریق استیضاح یا نظارت کنگره/سنا ایالتی است، که نادر اما مؤثر است. این تعادل، مسئولیت‌پذیری را بدون تضعیف استقلال حفظ می‌کند. (Bam, 2017, p54)

مسئولیت‌پذیری قضات در قبال تصمیماتشان، به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی در دادرسی عادلانه، در دو نظام ایران و آمریکا به‌طور متفاوتی تعریف می‌شود. در فقه امامیه، مسئولیت قاضی به دلیل اختیارات گسترده او و وحدت فرآیند دادرسی، بیشتر به سطح فردی و اخلاقی وابسته است. فقدان مراحل متعدد و تفکیک موضوعی در فقه امامیه، قاضی را به‌عنوان تنها مرجع تصمیم‌گیری قرار می‌دهد، که این امر مسئولیت او را در برابر خطاها یا انحرافات احتمالی افزایش می‌دهد. با این حال، نبود سازوکار نظارتی ساختاری ممکن است این مسئولیت را به چالش بکشد (آشوری و موحدی، ۱۳۹۳، ص. ۹۸).

مسئولیت‌پذیری قضات در آمریکا، با رویکرد متناسب سازی شده، در ایالت‌های مختلف متفاوت تنظیم می‌شود؛ انتخابات در ایالت‌های دموکراتیک‌تر و شایسته‌گرایی در حرفه‌ای‌تر، پاسخگویی را با استقلال تعادل بخشیده و تصمیمات کیفری را منصفانه می‌سازد (Bam, 2017, p58)

در آمریکا، مسئولیت‌پذیری قضات فدرال به دلیل انتصاب مادام‌العمر و عدم وابستگی مستقیم به قوه مجریه یا مقننه، به استیضاح کنگره محدود می‌شود، که این امر پاسخگویی را کاهش می‌دهد اما استقلال را حفظ می‌کند. در سطح ایالتی، روش‌های انتخاباتی یا سیستم شایستگی (مانند طرح میسوری) مسئولیت‌پذیری را از طریق پاسخگویی به رأی‌دهندگان یا کمیسیون‌های مستقل افزایش می‌دهد. با این حال، این روش‌ها ممکن است قاضی را تحت فشار افکار عمومی یا نهادهای سیاسی قرار دهد، که می‌تواند بر کیفیت تصمیم‌گیری اثر منفی بگذارد (Transparency International, ۱۳۹۵، ص. ۳۱). بنابراین، تعادل بین استقلال و مسئولیت‌پذیری در آمریکا به نوع روش تصدی و سطح قضایی بستگی دارد.

مسئولیت‌پذیری قضات در روش‌های انتخابی آمریکا، با پیشنهادهای قرن ۲۱ برای انتخابات حفظ بدون رقیب، تعدیل شده تا پاسخگویی عمومی حفظ شود اما استقلال از کمپین‌های رقابتی تهدید نشود؛ این چگونگی، تصمیمات کیفی را منصفانه می‌سازد (Kowal, بی‌تا).

در ایران: مسئولیت‌پذیری قضات عمدتاً از طریق ساختارهای اداری و انضباطی درون‌سازمانی (دادسرای انتظامی قضات) و همچنین جبران خسارت ناشی از تقصیر قاضی توسط دولت (اصل ۱۷۱ قانون اساسی) تأمین می‌شود. (قرشی زاده، جمشیدی، رحمدل، پیشین، ص ۳۱۳)

در آمریکا: در سیستم فدرال، به دلیل استقلال مادام‌العمر، مسئولیت‌پذیری سیاسی قضات بسیار محدود است و تنها از طریق فرآیند بسیار دشوار «استیضاح» ممکن است. در سیستم‌های انتخاباتی، این مسئولیت از طریق رأی مردم در انتخابات بعدی تأمین می‌شود که این خود می‌تواند به قیمت استقلال و بی‌طرفی تمام شود. (Ginsburg, 2009, p. 7)

در سطح ایالتی، انتخابات تأییدی (انتخابات ابقا) در سیستم شایسته‌سالاری، مسئولیت‌پذیری عمومی را افزایش می‌دهد. در کلرادو، قضات هر ۱۰ سال در معرض رأی عمومی قرار می‌گیرند، که فشار افکار عمومی را ایجاد می‌کند. این مکانیسم، پاسخگویی را حداکثر می‌کند، اما ممکن است قضات را به تصمیمات پوپولیستی سوق دهد. در کانزاس، فقدان انتخابات تأییدی قوی، مسئولیت‌پذیری را کاهش اما استقلال را افزایش می‌دهد (Reger, 2023, p125).

مورد قاضی پاول در میسوری که پس از انتصاب توسط فرماندار دموکرات، در انتخابات تأییدی شکست خورد نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری عمومی می‌تواند قضات را حتی پس از انتصاب تحت فشار قرار دهد. این تعادل، دادرسی عادلانه را از طریق جلوگیری از سوءرفتار تقویت می‌کند، اما استقلال در دعاوی حساس را تهدید می‌نماید. بنابراین کلرادو حداکثر پاسخگویی، کانزاس حداکثر استقلال، میسوری تعادل را دارند (Reger, 2023, pp126).

مسئولیت‌پذیری قضات در ایران از طریق محدودیت‌های عزل و نقل و انتقال (اصل ۱۶۴) و نظارت داخلی تأمین می‌شود، اما عدم شفافیت کامل در تضمین‌کننده استقلال، می‌تواند مسئولیت را به سمت ساختار فراقوه‌ای سوق دهد (روستایی حسین‌آبادی و علی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳). این چگونگی، قضات را در برابر تصمیمات مسئول می‌سازد اما با تمرکز بر مصلحت جامعه، ممکن

است مسئولیت فردی را تعدیل کند، که بر دادرسی عادلانه در جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت تأثیرگذار است.

۱-۲- محدودیت‌های پاسخگویی قضات در ایران به دلیل ساختار متمرکز در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت‌پذیری قضات عمدتاً از طریق سازوکارهای داخل سازمانی و انضباطی تأمین می‌شود. مهم‌ترین نهاد ناظر، دادسرای انتظامی قضات است که رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات را بر عهده دارد (مواد ۱۳ تا ۳۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ و آیین‌نامه‌های مربوطه).

ویژگی‌های اصلی این نظام عبارتند از:

محدودیت شدید در امکان عزل قضات اصل ۱۶۴ قانون اساسی صراحتاً اعلام می‌کند که «عزل قضات به هیچ وجه ممکن نیست مگر به جهات قانونی و با رأی دیوان عالی کشور». این قاعده، امنیت شغلی بسیار بالایی برای قضات ایجاد کرده و امکان برکناری به دلایل سیاسی یا غیرقانونی را به حداقل می‌رساند.

انواع مجازات‌های انتظامی طیف وسیعی از تنبیهات از تذکر کتبی تا انفصال دائم از خدمت پیش‌بینی شده است (ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات). با این حال، بخش قابل توجهی از این مجازات‌ها ماهیت اداری-انضباطی دارند و کمتر به صورت عمومی افشا می‌شوند.

جبران خسارت ناشی از تقصیر قاضی اصل ۱۷۱ قانون اساسی دولت را مسئول جبران خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی می‌داند. این سازوکار، بار مالی مسئولیت را از قاضی برمی‌دارد و به نوعی از مسئولیت‌پذیری مدنی مستقیم قاضی می‌کاهد.

نظارت ساختاری و فراقوه‌ای رئیس قوه قضائیه نقش تعیین‌کننده‌ای در انتصاب، ترفیع، نقل و انتقال و تعقیب انتظامی قضات دارد. این تمرکز قدرت، اگرچه امکان نظارت مؤثر را فراهم می‌کند، اما می‌تواند استقلال فردی قاضی را در معرض تأثیرگذاری‌های نهادی و ساختاری قرار دهد (روستایی حسین‌آبادی و علی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۵).

عدم شفافیت نسبی در فرآیندهای انضباطی رسیدگی‌های انتظامی عمدتاً غیرعلنی انجام می‌شود و آرای انتظامی به صورت عمومی منتشر نمی‌گردد. این امر، اگرچه حریم خصوصی قاضی را حفظ می‌کند، اما می‌تواند اعتماد عمومی به سازوکارهای پاسخگویی را کاهش دهد.

به‌طور خلاصه، در ایران مسئولیت‌پذیری قضات بیشتر نهادی-ساختاری است تا فردی-عمومی. امنیت شغلی بالا و تمرکز نظارت در داخل قوه قضائیه، استقلال قاضی را در برابر فشارهای بیرونی تقویت می‌کند، اما ممکن است پاسخگویی مستقیم قاضی در برابر جامعه یا اصحاب دعوا را محدود سازد.

## ۲-۲- پاسخگویی در آمریکا: عزل، عدم تأیید مجدد، مجازات اخلاقی

در ایالات متحده، مسئولیت‌پذیری قضات به‌طور قابل توجهی متنوع است و به سطح قضایی (فدرال یا ایالتی) و روش تصدی مقام قضا بستگی دارد.

### الف) سطح فدرال

قضات فدرال (دیوان عالی و دادگاه‌های فدرال پایین‌تر) مادام‌العمر منصوب می‌شوند قانون اساسی (ماده ۳)

تنها سازوکار رسمی پاسخگویی، استیضاح توسط مجلس نمایندگان و محاکمه در سنا است.

این فرآیند بسیار نادر است (تنها ۱۵ قاضی فدرال در تاریخ آمریکا استیضاح شده‌اند و ۸ نفر برکنار شده‌اند).

در نتیجه در سطح فدرال، پاسخگویی سیاسی بسیار محدود، اما استقلال بسیار بالا می‌باشد. (Geyh, 2019; Bam, 2017)

### ب) سطح ایالتی، مدل‌های مختلف

#### ۱. ایالت‌های با انتخابات تأییدی مانند میسوری

پس از انتصاب اولیه، قاضی در انتخابات بدون رقیب (بله/خیر) در معرض رأی مردم قرار می‌گیرد.

این مکانیسم پاسخگویی عمومی ملایمی ایجاد می‌کند بدون آنکه قاضی مجبور به کمپین رقابتی و جمع‌آوری کمک مالی شود.

با این حال، نمونه‌هایی مانند شکست قاضی پاول در انتخابات تأییدی میسوری نشان می‌دهد که حتی این نوع انتخابات می‌تواند فشار سیاسی قابل توجهی ایجاد کند. (Reger, 2023, pp112-115)

#### ۲. ایالت‌های با نفوذ بالای فرماندار و انتخابات تأییدی قوی -

مانند کلرادو

قضات هر ۱۰ سال (یا دوره‌های مشابه) در معرض رأی تأییدی قرار می‌گیرند.

این مدل حداکثر پاسخگویی عمومی را ایجاد می‌کند، اما خطر تصمیم‌گیری تحت تأثیر افکار عمومی یا نگرانی از عدم تأیید مجدد را به همراه دارد (Reger, 2023, pp.126-28).

۳. ایالت‌های با مدل تحت کنترل توسط انجمن وکلا یا استقلال بالا - مانند کانزاس

نظارت و پاسخگویی بیشتر از طریق کمیسیون‌های حرفه‌ای و کانون وکلا صورت می‌گیرد.

فشار انتخاباتی و عمومی بسیار کم است → حداکثر استقلال، اما پاسخگویی عمومی محدودتر

۴. ایالت‌های با انتخاب توسط مجلس ایالتی - مانند ویرجینیا

پاسخگویی قضات به نمایندگان منتخب مردم (مجمع عمومی) است. این مدل نوعی پاسخگویی غیرمستقیم دموکراتیک ایجاد می‌کند بدون آنکه قاضی مستقیماً در معرض رأی عمومی قرار گیرد.

۵. ایالت‌های با انتصاب توسط فرماندار و تأیید سنا - مانند نیوجرسی

پس از دوره اولیه، قضات معمولاً مادام‌العمر می‌شوند. پاسخگویی عمدتاً از طریق فرآیند تأیید اولیه و نظارت اخلاقی حرفه‌ای تأمین می‌شود.

۳- از حیث پاسخگویی و نظارت موثر بر قضات

۳-۱- ایران: مکانیسم‌های نظارتی و محدودیت‌های آن در برابر قدرت ساختاری

در ایران، نظارت انتظامی بر رفتار قضات بر پایه قانون نظارت بر رفتار قضات استوار است که اهداف متعددی نظیر تنوع پاسخ‌های انتظامی (از توبیخ تا درجه‌بندی تخلفات)، رعایت حریم خصوصی، یکسان‌سازی آیین رسیدگی به تخلفات، انتظام‌دهی به تعلیق انتظامی و ارتقای شغلی را دنبال می‌کند. این مکانیسم‌ها، شامل دادسرای انتظامی قضات و دادگاه عالی انتظامی، بازرسی‌های داخلی و مسئولیت‌کیفری، نظارت مستمر را فراهم می‌آورند؛ با

این حال، محدودیت‌هایی نظیر تمرکز قدرت ساختاری در قوه قضائیه ممکن است استقلال کامل نظارت را تحت تأثیر قرار دهد، هرچند تأکید بر شایستگی و سلامت، پاسخگویی را در تصمیمات کیفری (مانند صدور حکم یا کفالت) تقویت می‌کند (طهماسبی، بی‌تا). این قانون، با تضمین دادرسی منصفانه از طریق کنترل رفتار قضایی، شاخص کارایی حکومت در اجرای عدالت کیفری را ارتقا می‌دهد و احساس برابری در بهره‌مندی از استقلال و بی‌طرفی را برای شهروندان ایجاد می‌نماید.

مکانیسم‌های نظارتی در ایران شامل شورای عالی قوه قضائیه و بازرسی‌های داخلی است، که پاسخگویی را از طریق مسئولیت کیفری قضات تضمین می‌کند، اما قدرت ساختاری فراقوه‌ای می‌تواند نظارت را محدود سازد (روستایی حسین‌آبادی و علی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۵). این محدودیت‌ها، پاسخگویی را نسبی کرده و در پرونده‌های کیفری، رفتار قضات را بیشتر به سمت ملاحظات ساختاری تعدیل می‌نماید.

در نظام قضایی ایران، پاسخگویی قضات عمدتاً از طریق تعهد فردی و حمایت‌های ساختاری تأمین می‌شود، اما نقش تعیین‌کننده قاضی در تحقق دادرسی عادلانه، نظارت را به سمت پروراندن نیروی متعهد سوق می‌دهد تا محدودیت‌های ساختاری جبران شود (قرشی‌زاده، جمشیدی و رحمدل، ۱۳۹۸: ۳۱۰). این مکانیسم‌ها، با تمرکز بر دانش و عدالت‌محوری، پاسخگویی را تقویت می‌کنند، هرچند بدون نیروی انسانی متخصص، کارایی آن‌ها محدود می‌ماند.

### ۳-۲- سیستم‌های پاسخگویی در سطح فدرال، بازبینی رأی توسط مراجع بالاتر در امریکا

در ایالات متحده آمریکا، سیستم‌های پاسخگویی قضات در قرن ۲۱ با ترکیبی از مکانیسم‌های انضباطی، انتخابی و قضایی طراحی شده تا نظارت مؤثر بر رفتار قضات فراهم آید بدون اینکه استقلال قضایی را به طور اساسی کاهش دهد؛ این سیستم‌ها، رفتار قضات را در پرونده‌های کیفری (مانند صدور حکم، تعیین کفالت، رعایت حقوق متهم و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت) تعدیل کرده و دادرسی عادلانه را از طریق پاسخگویی عمومی و حرفه‌ای حفظ می‌کنند (Kowal, بی‌تا؛ Geyh, 2008؛ Bam, 2017).

در سطح فدرال، پاسخگویی عمدتاً از طریق استیضاح (ایراد اتهام و محاکمه توسط کنگره بر اساس ماده III قانون اساسی) و بازبینی رأی توسط مراجع

بالا تر (دادگاه های استیناف و دیوان عالی) اعمال می شود؛ استیضاح، به عنوان مکانیسم نادر اما قدرتمند، قضات را برای تخلفات جدی (مانند فساد یا نقض اخلاق) پاسخگو می سازد و دوره تصدی مادام العمر را با این نظارت متعادل می کند، که استقلال کارکردی را حفظ کرده اما رفتار قضات را در تفسیر حقوق کیفری (مانند اصلاحیه های چهارم و هشتم) تعدیل می نماید (Geyh, 2008؛ حیدر نژاد و غمامی، ۱۳۹۷). بازبینی قضایی، به عنوان ابزار روزمره، احکام پایین دستی را بررسی کرده و پیش بینی پذیری رویه کیفری را افزایش می دهد، که حقوق متهم (اصل برائت، حق دفاع) را از سوء استفاده از قدرت مصون می دارد (Yates et al., 2013).

در سطح ایالتی، کمیسیون های رفتار قضایی نقش محوری دارند؛ این کمیسیون ها، اغلب مستقل و متشکل از قضات، وکلا و شهروندان، تخلفات اخلاقی (مانند نقض کدهای رفتار قضایی مبتنی بر اصول بنگلور) را بررسی کرده و پاسخ هایی از تذکر تا برکناری اعمال می کنند (Kowal, بی تا؛ Bam, 2017) انتخابات حفظ (انتخابات ابقا) در مدل های انتخاب شایسته (مانند میسوری)، قضات را هر چند سال یک بار به رأی عمومی بدون رقیب می گذارد و پاسخگویی مستقیم به مردم را فراهم می آورد بدون کمپین های حزبی پرهزینه (Baldwin, 2022؛ Glick, 1978) انتخابات بقا در برخی ایالات، امکان برکناری زودرس قضات را توسط رأی دهندگان می دهد که نظارت مردمی را تقویت می کند (Kowal, بی تا).

این سیستم ها، در قرن ۲۱ با اصلاحات (مانند تقویت کمیسیون ها و محدود کردن کمپین های مالی)، نظارت مؤثر را بدون کاهش استقلال فراهم آورده و رفتار قضات را در پرونده های کیفری تعدیل می کند؛ برای مثال، کمیسیون ها از صدور احکام ایدئولوژیک یا تعیین کفالت نامتناسب جلوگیری کرده و رعایت حقوق متهم را تضمین می نمایند (Kowal, Geyh, 2008؛ بی تا). با این حال، در روش های انتخابی، فشار عمومی ممکن است قضات را به سخت گیری بیش از حد در جرایم حساس (نژادی یا مواد مخدر) سوق دهد که بی طرفی را تهدید می کند (Yates et al., ۲۰۱۳؛ پارسا و شیدائیان، ۱۳۹۶). در مقایسه با ایران (نظارت انتظامی داخلی و مسئولیت کیفری)، سیستم آمریکایی پاسخگویی خارجی و مردمی بیشتری دارد که اعتماد عمومی را افزایش می دهد اما خطر سیاسی کاری را به همراه دارد، در حالی که ایران نظارت درونی اخلاقی را اولویت می دهد (طهماسبی، بی تا؛ سلمانی سینی، بی تا). این مکانیسم ها، دادرسی عادلانه را با تعدیل رفتار قضات (از

کفالت تا حکم نهایی) حفظ کرده اما نیاز به تعادل بیشتر برای جلوگیری از فشارهای خارجی دارد (Kowal, Bam, 2017 بی تا).

### ۳-۳- تأثیر شیوه تصدی مقام قضا بر دادرسی کیفری

نظارت انتظامی در ایران، رفتار قضات را در پرونده‌های کیفری به طور مؤثر تعدیل می‌کند؛ زیرا امکان تعقیب تخلفات (مانند نقض بی طرفی یا اطاله دادرسی) با پاسخ‌های متنوع، قاضی را به رعایت دقیق حقوق متهم (اصل برائت، حق دفاع، ممنوعیت سوءاستفاده از قدرت) ملزم می‌سازد. این مکانیسم، با تمرکز بر سلامت و شایستگی، از صدور احکام خودسرانه یا تعیین کفالت نامتناسب جلوگیری کرده و دادرسی عادلانه را از طریق پاسخگویی مستمر تضمین می‌نماید؛ هرچند چالش‌هایی در اجرای کامل تنوع پاسخ‌ها ممکن است کارایی را محدود کند، اما کلیت نظام، اعتماد عمومی به عدالت کیفری را حفظ می‌کند (طهماسبی، بی تا).

مکانیسم‌های نظارتی در ایران، رفتار قضات را در صدور حکم و رعایت حقوق متهم تعدیل کرده و از سوءاستفاده از قدرت جلوگیری می‌کند، اما نسبی بودن استقلال ممکن است در پرونده‌های حساس، حقوق متهم را تحت تأثیر قرار دهد (روستایی حسین‌آبادی و علی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۶). این تأثیر، دادرسی عادلانه را بر پایه عدالت اسلامی حفظ می‌کند اما چالش‌هایی در برابر فشارهای خارجی ایجاد می‌نماید. تعهد و تخصص قاضی، به عنوان عامل اصلی، رفتار را در تعیین کفالت و حفظ حقوق دفاعی متهم متعادل ساخته و از نقض اصول مانند اصل برائت جلوگیری می‌نماید.

در ایالاتی مانند نیوجرسی، کمیسیون‌های رفتار قضایی به طور مستقل به رسیدگی به شکایات از قضات می‌پردازند. این ساختار در IDEA «یکی از مؤثرترین مدل‌های نظارت غیرسیاسی بر قضات» توصیف شده است (Bulmer, 2017, p. 16).

آمریکا در فدرال، استیضاح نادر است اما کمیسیون‌های رفتار قضایی در ایالت‌ها (مانند میسوری و نیوجرسی) نظارت اخلاقی انجام می‌دهند. در ویرجینیا، مجمع عمومی می‌تواند نظارت کند. انتخابات ابقا در میسوری و بقا در برخی ایالت‌ها پاسخگویی عمومی فراهم می‌کنند. این مکانیسم‌ها رفتار قضات در پرونده‌های کیفری (مانند رعایت حقوق میراندا یا وثیقه) را تعدیل می‌کنند بدون اینکه استقلال را تهدید کند (Geyh, 2008).

### ۴- از حیث شایستگی حرفه ای و تخصص کیفری

شایستگی حرفه‌ای و تخصص کیفری قضات، به عنوان یکی از ارکان اصلی دادرسی عادلانه، مستقیماً از شیوه جذب و آموزش قضات نشأت می‌گیرد و بر کیفیت کشف حقیقت، مدیریت پرونده‌ها و رعایت حقوق متهم تأثیر می‌گذارد. در ایران، این شایستگی ترکیبی از ابعاد اخلاقی-فقهی و حرفه‌ای است، در حالی که در ایالات متحده، تمرکز بر سابقه عملی و شایسته‌گرایی حرفه‌ای است؛ تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو نظام نقاط قوت و ضعفی دارند که دادرسی عادلانه را به شیوه‌های متفاوت شکل می‌دهد (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۴۰۱؛ ناصری دولت‌آبادی و صبوری، ۱۳۹۶؛ Geyh, 2008; Bam, 2017).

#### ۴-۱- تاثیر چگونگی شیوه جذب قضات بر تخصص آن‌ها در پرونده‌های

##### کیفری در ایران

شیوه جذب قضات در ایران، با تأکید بر تسلط بر قوانین آیین دادرسی کیفری، آشنایی گسترده با قوانین ماهوی کیفری، توانایی برگزاری جلسات استماع مطلوب و مدیریت درخواست‌های اطلاع‌برانگیز، شایستگی حرفه‌ای را ارتقا می‌دهد؛ این مهارت‌ها، همراه با معیارهای اخلاقی عدالت و تقوا، قضات را برای رسیدگی دقیق به پرونده‌های حساس کیفری (جرایم علیه اشخاص، مواد مخدر و امنیتی) آماده ساخته و از اشتباهات آیین دادرسی که منبع اصلی تجدیدنظرخواهی‌هاست، جلوگیری می‌کند (ناصری دولت‌آبادی و صبوری، ۱۳۹۶). این رویکرد، با تقویت مهارت‌های مدیریتی نظیر مدیریت زمان و نفس، کشف حقیقت را تسهیل کرده و دادرسی عادلانه را از طریق احکام منطقی و شفاف تضمین می‌نماید؛ هرچند کثرت قوانین نیازمند مطالعه مستمر است تا تخصص در حوزه‌های پیچیده کیفری پایدار بماند.

شیوه جذب قضات در ایران، با ترکیب آموزش دانشگاهی، دوره‌های کارآموزی دادگستری و تأکید بر معیارهای عدالت و تقوا، شایستگی حرفه‌ای را به صورت اکتسابی و ذاتی تقویت می‌کند. آموزش پیش از خدمت (دانشگاهی و کارآموزی) دانش حقوقی، مهارت‌های فکری و تدبیر قضایی را ارتقا می‌دهد، در حالی که عدالت و تقوا به عنوان شرایط شرعی، قاضی را به پشتکار و تصمیم‌گیری مدبرانه در پرونده‌های کیفری حساس (مانند جرایم علیه اشخاص، مواد مخدر و امنیتی) ملزم می‌سازد (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۴۰۱). این رویکرد، با تمرکز بر مطالعه مستمر، آگاهی از حقوق بشر و مدیریت پرونده، تخصص قضات را در کشف حقیقت و جلوگیری از اطلاع دادرسی افزایش داده و دادرسی عادلانه را از طریق رسیدگی هوشیارانه و بی‌طرفانه تضمین می‌کند؛ هرچند حجم کار بالا و کمبود امکانات ممکن است این شایستگی را تحت تأثیر قرار دهد (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۴۰۱).

#### ۴-۲- نقش سابقه وکالت، عضویت در کانون وکلا، و سیستم انتخاب

##### شایسته در تضمین تخصص قضات در حقوق کیفری امریکا

در ایالات متحده، شایستگی حرفه‌ای عمدتاً بر سابقه وکالت طولانی (۱۰-۱۵ سال)، عضویت در کانون وکلا و ارزیابی‌های حرفه‌ای (مانند ABA) استوار است که تخصص عملی در حقوق کیفری را تضمین می‌کند (Geyh, 2008; Bam, 2017; Kowal, بی‌تا). در سطح فدرال، انتصاب با تمرکز بر سابقه دادستانی یا دفاعی، آشنایی با رویه‌های فدرال (دستورالعمل‌های مجازات، حقوق میراندا) را فراهم می‌آورد؛ در سطح ایالتی، انتخاب شایسته (مانند طرح میسوری تا ۲۰۲۵) با کمیسیون غیرحزبی، قضات متخصص‌تری تولید کرده و در نیوجرسی، انتصاب فرمانداری اغلب بر سابقه عملی تمرکز دارد، در حالی که ویرجینیا با انتخاب قانونگذاری، حداقل سابقه وکالت را الزامی می‌کند اما ملاحظات حزبی ممکن است تخصص را فدای سیاست کند (Glick, 1978; Baldwin, 2022)؛ عزیزی و دیگران، ۱۳۹۲). این سیستم، با نقش کانون‌های وکلا در ارزیابی صداقت و شایستگی، درک عمیق از حقوق متهم (روند دادرسی، اصلاحیه‌های چهارم و هشتم) را افزایش داده و کارایی فنی را در پرونده‌های پیچیده کیفری (جرایم نژادی، مواد مخدر) بهبود می‌بخشد، اما کمبود تنوع حرفه‌ای (کمتر بودن وکلای بخش خصوصی یا زنان) درک دفاع متهمان را محدود می‌کند (Kowal, Bam, 2017 بی‌تا)

بنابراین شیوه‌های مبتنی بر شایستگی و فدرال آمریکا (با سابقه وکالت و ارزیابی حرفه‌ای) بیشتر به کارایی فنی، درک معاصر حقوق کیفری (اصلاحات صدور حکم، حقوق متهم) و مدیریت پرونده‌ها کمک می‌کند زیرا قضات را از حرفه‌ای‌های باتجربه انتخاب می‌نماید و اطلاع را کاهش می‌دهد (حیدر نژاد و غمامی، ۱۳۹۷؛ Geyh, 2008; Bam, 2017)؛ Kowal, بی‌تا)، در حالی که ایران با ترکیب آموزش دانشگاهی و معیارهای اخلاقی-فقهی، عمق اخلاقی و سلامت قضایی را برتر می‌سازد اما اولویت ایدئولوژیک بر سابقه عملی، درک عملی حقوق متهم را گاهی محدود کرده و اطلاع را افزایش می‌دهد (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۴۰۱؛ گلدست جویباری و پیوسته، ۱۳۹۰؛ همتی و داودی، ۱۳۹۶). آمریکا در کارایی عملی (تخصص در رویه‌های پیچیده) و ایران در سلامت اخلاقی (بی‌طرفی درونی) برتر است، اما ترکیب هر دو (مانند افزودن شایسته‌گرایی به ایران و نظارت

اخلاقی به آمریکا) دادرسی عادلانه را بهینه می‌کند؛ این تفاوت، آمریکا را در پرونده‌های فنی و ایران را در پرونده‌های ایدئولوژیک مؤثرتر می‌سازد، که پیشنهاد انتخاب متناسب برای تعادل پیشنهاد می‌شود (Bam, 2017؛ Baldwin, 2022؛ Glick, 1978).

## ۵- نتیجه گیری

پژوهش حاضر با واکاوی تطبیقی مسئولیت‌پذیری، نظارت و شایستگی قضایی در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا، نشان می‌دهد که هر یک از این دو نظام، راهکاری منحصر به فرد برای تعادل میان «استقلال قضایی» و «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» ارائه داده‌اند که هر کدام دارای نقاط قوت و ضعف ساختاری است.

در نظام قضایی ایران، مسئولیت‌پذیری قضات ماهیتی درون‌سازمانی و اخلاقی دارد. با تکیه بر اصل ۱۶۴ قانون اساسی و قانون نظارت بر رفتار قضات، امنیت شغلی قضات به شدت تضمین شده است. این امر استقلال قضات را در برابر مداخلات سیاسی و فشارهای ذی‌نفعان قوی حفظ می‌کند و بستر لازم برای صدور احکام بر اساس شرع و قانون را فراهم می‌آورد. با این حال، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این ساختار متمرکز، شفافیت عمومی را کاهش داده و پاسخگویی مستقیم قضات را محدود می‌سازد. همچنین، در حوزه شایستگی، تأکید بیش از حد بر معیارهای اخلاقی-فقهی و آموزش‌های آکادمیک، اگرچه سلامت قضایی را تضمین می‌کند، اما در مقایسه با سیستم‌های مبتنی بر تجربه عملی، ممکن است در مدیریت پرونده‌های پیچیده کیفری و کاهش اطلاع دادرسی با چالش‌هایی روبرو باشد. عدم شفافیت در آرای انتظامی و تمرکز قدرت در نهادهای فراقوه‌ای، می‌تواند اعتماد عمومی به کارایی سیستم را تحت تأثیر قرار دهد.

در نظام قضایی ایالات متحده آمریکا، مسئولیت‌پذیری از طریق تنوع مکانیسم‌ها در سطوح فدرال و ایالتی تعریف می‌شود. در سطح فدرال، استقلال مطلق قضات از طریق انتصاب مادام‌العمر حفظ می‌شود، اما پاسخگویی آن‌ها بسیار محدود است. در سطح ایالتی، مدل‌های مختلف از جمله انتخابات تأییدی (مانند طرح میسوری) و انتصاب توسط فرماندار، سعی در ایجاد تعادل دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سیستم‌های مبتنی بر شایسته‌سالاری و سابقه وکالت (مانند نیوجرسی و میسوری)، تخصص فنی و درک عمیق از رویه‌های دادرسی کیفری را تضمین می‌کنند. با این حال، وجود انتخابات تأییدی و فشار افکار عمومی، خطر مداخله سیاست و پوپولیسم در تصمیم‌گیری‌های قضایی را افزایش می‌دهد. این فشارها ممکن است بی‌طرفی قاضی را در پرونده‌های حساس (مانند جرایم نژادی یا مواد مخدر) تهدید کند. از سوی دیگر، تنوع حرفه‌ای پایین در میان قضات آمریکا

(تمرکز بر وکلای سابق) ممکن است دیدگاه‌های متنوع را در قوه قضائیه کاهش دهد.

نهایتاً اینکه هیچ‌یک از دو الگو کامل نیستند. ایران در ایجاد استقلال ساختاری و بستر اخلاقی موفق است اما در شفافیت، کارایی فنی و پاسخگویی عمومی نیازمند اصلاحات است. آمریکا در تخصص فنی و پاسخگویی اجتماعی پیشرو است، اما با بحران استقلال و تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی دست‌وپنج نرم می‌کند

پیشنهادات کاربردی ۱: برای ایران: پیشنهاد می‌شود ضمن حفظ استقلال قضایی، مکانیسم‌های شفافیت در فرآیندهای انتظامی تقویت شود. همچنین، افزودن معیارهای «تجربه عملی» و «شایسته‌سالادی حرفه‌ای» به فرآیند جذب و ارتقای قضات، می‌تواند کارایی آن‌ها را در پرونده‌های پیچیده کیفری افزایش دهد. ۲. برای آمریکا: تقویت کمیسیون‌های رفتار قضایی مستقل و محدود کردن تأثیر مالی کمپین‌های انتخاباتی می‌تواند خطر پوپولیسم را کاهش دهد. ۳. راهکار تلفیقی: دستیابی به دادرسی عادلانه ایده‌آل، نیازمند ترکیب «شایستگی فنی و تجربه عملی» (الگوی آمریکا) با «تعهد اخلاقی و امنیت ساختاری» (الگوی ایران) است. سیستم‌هایی که در آن‌ها قضات از میان وکلای باتجربه و متخصص انتخاب شوند، اما تحت نظارتی شفاف و مبتنی بر اصول اخلاقی سخت‌گیرانه قرار گیرند، می‌توانند تعادلی پایدار میان استقلال و پاسخگویی ایجاد کنند.

این تحلیل نشان می‌دهد که دادرسی عادلانه تنها با استقلال مطلق یا پاسخگویی مطلق محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند طراحی نظام‌های ترکیبی است که ضمن حفظ حریم استقلال قضایی، ضمانت‌های اجرایی برای پاسخگویی و تضمین شایستگی حرفه‌ای ارائه دهند.

## منابع

- اکبری رودپشتی، عظیم، زمانی، قاسم، ۱۴۰۱، اهمیت و جایگاه آموزش قضات در اسناد سازمان ملل متحد و مقایسه آن با نظام قضایی ایران، فصلنامه علمی دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۲۷، ش ۱۰۰
- آشوری، محمد و موحدی، جعفر (۱۳۹۳). «طریقیّت یا موضوعیّت روش دادرسی: مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق اروپایی و حقوق موضوعه». پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره شانزدهم، صص. ۹۵-۱۱۵.
- حیدر نژاد، ولی اله، غمامی، سید محمدمهدی، ۱۳۹۸، مطالعه تطبیقی شرایط و فرایندهای انتخاب و انتصاب قضات در نظام های حقوقی ایالت متحده امریکا و فرانسه، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۰

- رشوند بوکانی، مهدی، ۱۳۸۸، اساتقلال قاضی و قوه قضائیه در حقوق ایران، امریکا و فرانسه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- قرشی زاده، میرناصر، جمشیدی، علیرضا، رحمدل، منصور، ۱۳۹۸، جایگاه و موقعیت قاضی در تحقق اصول دادرسی عادلانه، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، سال ۱۲، ش ۴۳
- کمیسیون اروپایی ارتقای عدالت، ۱۳۹۵، ارزیابی نظامهای قضایی اروپا در سال ۲۰۱۲، ویراستار: احمد مرکز مالگیری، چ ۰، تهران: انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه
- همتی، مجتبی. (۱۳۹۵). تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۵.

- Bannon, Alicia. (2016). Rethinking Judicial Selection in State Courts. Brennan Center for Justice
- Bulmer, E. (۲۰۱۷). Judicial Appointments. In International IDEA Constitution-Building (2nd ed.). Stockholm: (۲) (Primer No. International IDEA
- Geyh, C. G. (۲۰۰۸). Methods of Judicial Selection and Their Impact on Judicial Independence. Dædalus, (۱۳۷)، ۴(۸۶-۱۰۰).

- Ginsburg, T. (2009). *Judicial Independence in the United States*. University of Chicago Law Review.
- Reger, Z. (2023). Gubernatorial influence in merit-based judicial selection: Kansas, Missouri, and Colorado, 2012–2021. *Missouri Law Review*, 88(1), 107–133. <https://scholarship.law.missouri.edu/mlr/vol88/iss1/7>